

به بهانه ۱۵ آوریل روز «تابعیت»

زمانی برای بروز فرصت‌های مساوی در یک جامعه



رنگ‌آمیزی: سعید واعظی

۳- وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری
 ۴- عضویت در مجلس شورای اسلامی
 ۵- عضویت در شوراها استان و شهرستان و شهر
 ۶- استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هر گونه پست یا ماموریت سیاسی
 ۷- قضاوت
 ۸- عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی
 ۹- تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی برای ترک تابعیت ایرانی شرایط زیر باید وجود داشته باشد:
 ۱- رسیدن به سن ۲۵سال
 ۲- اجازه هیأت وزیران
 ۳- تعهد کند که ظرف یکسال از تاریخ ترک تابعیت، حقوق خود را بر اموال غیر منقول که در ایران دارد یا ممکن است از طریق ارب به او برسد هر چند قوانین ایران اجازه تملک آن را به اتباع خارجه بدهد، به نحوی از انحاء به اتباع ایرانی منتقل کند.
 * زوج و اطفال کسی که به این ترتیب ترک تابعیت می‌کند اعم از این که اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند، از تابعیت ایران خارج نمی‌شوند، مگر این که اجازه هیأت وزیران شامل آنها هم باشد.
 ۴- انجام خدمت نظام وظیفه برای مردان
 - هر زن خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند، تبعه ایران محسوب می‌شود، یعنی تابعیت مرد بر او تحمیل می‌شود.
 - تابعیت ایرانی زن خارجی که در اثر ازدواج با مرد ایرانی کسب کرده، حتی پس از فوت شوهر یا جدا شدن از او همچنان به فوت خود باقی است، ولی در صورتی که او نخواهد تابعیت ایرانی خود را حفظ کند می‌تواند با اطلاق کسبی به وزارت امور خارجه و ارایه گواهی طلاق یا فوت شوهر به تابعیت اولیه خود باز گردد.
 البته چنانچه همین زن هنگام فوت شوهر از او فرزندی کمتر از ۱۸سال داشته باشد، باید صبر کند که به این سن برسد. با خروج از تابعیت ایران، چنین زنی حق داشتن اموال غیر منقول را بیشتر از آنچه چنین زنی باید ظرف یکسال پس از ترک تابعیت ایران، مقدار مازاد بر حد مالکیت بر اموال غیر منقول توسط اتباع خارجی در ایران را به اتباع ایرانی منتقل کند، در غیر این صورت این اموال به فروش می‌رسد و دولت، پس از کسب مخرج قیمست آنها را به وی پرداخت می‌کند.

- تابعیت زن ایرانی که با مرد خارجی ازدواج می‌کند بر اساس قوانین کشور شوهرش تعیین می‌شود. چنانچه تابعیت شوهر بر اساس قوانین کشورش بر زن تحمیل شود، زن، تابعیت ایرانی خود را از دست خواهد داد، زیرا قانون تابعیت دوگانه برای زن ایرانی را نمی‌پذیرد، ولی اگر کشور متبوع مرد، تابعیت را به زن ایرانی تحمیل نکند، زن ایرانی می‌تواند تابعیت ایرانی خود را حفظ کند. در صورت طلاق یا فوت شوهر خارجی، زن می‌تواند به تابعیت ایرانی خود باز گردد. در این صورت باید درخواست خود را به بیوست گواهی فوت شوهر یا سند طلاق به وزارت امور خارجه تقدیم کند.
 - وقتی زن ایرانی بر اثر تحمیل تابعیت کشور شوهر خارجی بر او از تابعیت ایران خارج شده باشد، بعد از وفات شوهر یا جدایی از وی با تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه منضم به گواهی فوت یا سند طلاق می‌تواند به تابعیت ایران باز گردد. اتباع خارجی مقیم ایران جز در موارد زیر از حقوق مدنی برخوردارند:
 ۱- در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصراً به اتباع ایران کرده یا صراحتاً از اتباع خارج سلب کرده است.
 ۲- در مورد حقوق مربوط به احوال شخصیه که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده است.
 ۳- در مورد حقوق ویژه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.

خدمت نظام، نداشتن محکومیت کیفری به ارتکاب جنحه یا جنایت غیر سیاسی، داشتن اهلیت استیفا (اجرای حق) و مکنت کافی یا داشتن شغلی که بتواند هزینه زندگی را تأمین کند، از شرایط تحصیل تابعیت ایران است.
شرط اقامت برای افراد زیر ۱۸سال
 ۱- مردان بیگانه که دارای همسر ایرانی و از او دارای فرزند هستند.
 ۲- کسانی که به امر عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایان کرده باشند.
 ۳- کسانی که دارای مقامات عالی علمی یا تخصص در امور عام‌المنفعه هستند.
 - اشخاصی که به تابعیت ایران درمی‌آیند، از تمامی حقوقی که برای ایرانیان مقرر است، بهره‌مند می‌شوند، جز در موارد زیر:
 ۱- ریاست جمهوری و معاونان او
 ۲- عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه

۱۸سال تمام، حداقل یکسال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی است که مطابق قانون برای تحصیلات تابعیت ایران مقرر است.
 هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند. هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد. (اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و کنسولی مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود).
 هر گاه اشخاص مذکور در بند ۴ فوق‌الذکر پس از رسیدن به سن ۱۸سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند، باید ظرف یک سال، یعنی تا ۱۹سالگی با درخواست کتبی از وزارت امور خارجه و ارایه گواهی دولت متبوع پدرش مبنی بر پذیرش او به‌عنوان تبعه آن کشور، از تابعیت ایران خارج شود.
 داشتن ۱۸سال تمام یا بیشتر، سکونت در ایران به مدت ۵سال اعم از متوالی یا متناوب، فراری نبودن از

معنوی و دارای ماهیت سیاسی است. وجود علقه تابعیت میان فرد و دولت سبب می‌شود که فرد در همه کشورهای بیگانه از حمایت سیاسی دولت متبوع خود بهره‌مند شود. مطابق قوانین موجود، اشخاص زیر تبعه ایران محسوب می‌شوند. تمامی ساکنان ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد، تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.
 کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.
 کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنها غیر معلوم باشند.
 کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند.
 کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است، به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن

دولت همچنین مکلف است به هر گونه انتقال مسالمت‌آمیز از جمله به پرو کراسی بد، وجود اجحاف و تبعیض در جامعه، وضع قوانین خلاف منطق و عقل سلیم و قوانینی که حقوق اساسی انسان را نقض یا تنها به سود یک طبقه‌اند، تریب اثر دهد و پاسخگو باشد.
 به نظر اندیشمندان، رد زورگویی و اعتراض به ظلم (ظلم عمومی) هم حق و هم تکلیف یک شهروند است که نباید از آن صرف‌نظر کند. در صدر تکالیف ملی، دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی وطن قرار دارد که بی‌اعتنایی نسبت به آن یا سرپیچی، مجازات سنگین باید داشته باشد و در زمان جنگ، مجازات اعدام، از میان اندیشمندان که نسبت به شهروندی نظر داده‌اند فرضیه «جان راولس» جامع‌تر و جالب‌تر است که آن را در سال ۱۹۷۱ به‌صورت کتاب منتشر کرده است. راولس بر وجود فرصت‌های مساوی در یک جامعه که از حقوق شهروندان بوده و تأمین آن از تکالیف دولت است، تأکید کرده است. وی نوشته است دولتی که این تکلیف خود را دقیقاً رعایت نکند، باید بازخواست شود. وی آموزش اخلاق حسنه و خوبی کردن به اتباع را از تکالیف دولت‌ها دانسته و به این ترتیب هدف آموزش و پرورش تنها تدریس خواندن و نوشتن و حساب‌کردن نباید باشد، به گمان او، مدرسه یک کارخانه آدم‌سازی و پرورش انسان کامل باید باشد.
 به نوشته «اولس»، قواعد و ضوابط باید طوری تدوین شوند که رسانه‌ها ضمن خبر و نظرسنجی، وسیله و ابزار آموزش عمومی باشند و معلومات اتباع را ارتقا دهند. وی شهروندان یک کشور را سرمایه‌های ملی آن کشور خوانده که دولت حق ندارد اجازه هدر رفتن یا مهاجرت آنان را جز در موارد استثنایی بدهد. راولس نوشته است که مهاجرت در قرن ۲۰ و به‌ویژه پس از سال ۱۹۴۶ مفهوم سابق را ندارد که بیکاری و فشار سیاسی و مذهبی و نبود زمینه برای پرورش ذوق و استعداد هنری، ادبی و علمی عامل آن باشد. در قدیم یک قبیله در جست‌وجوی مرع برای گوسفندان به سرزمین دیگر مهاجرت می‌کرد و برخی مهاجرت‌ها به‌صورت تعرض نظامی بود که دیگر چنین نیست. مطالعه مهاجرت‌های قطعی آنه، موقت و فصلی | در قرن ۲۰ضعف و کوتاهی دولت‌ها را نشان می‌دهد.
 مهاجرت از هند و ایران به سایر کشورها در دو دهه آخر قرن ۲۰ و دهه یکم قرن ۲۱ بزرگترین رقم مهاجرت‌های برون مرزی در سطح جهان را تشکیل می‌دهد که علت مهاجرت هندیان، کثرت نفوس گزارش شده است. به‌گفته برخی از کارشناسان، اگر اصل ۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی که بیانگر اصل ۳دهه اخیر را هم برای انقلاب تصویب شده و تاکنون معطل مانده به اجرا در آید، مهاجرت خارجی ایرانیان محدود خواهد شد. رئیس جمهوری

دولت افشار | تابعیت یا ملیت اصطلاحی است که برای اشاره به نوعی رابطه سیاسی، معنوی یا حقوقی بین یک شخص و ملت یا دولتی معین استفاده می‌شود. نظر واحدی در مورد تعریف تابعیت وجود ندارد و دانشمندان حقوق بین‌الملل بحث‌های مفصل و متعددی در مورد تعریف تابعیت کرده‌اند. برخی از تعاریف که در مورد تابعیت آمده چنین است: رابطه‌ای که با آن خانواده ملت تشکیل می‌یابد؛ به عبارتی پیوندی که وابستگی فردی از افراد انسانی را به ملتی خاص توجیه می‌کند. تابعیت پیوندی است که شخصی را به ملت معینی مربوط می‌کند. تعلق حقوقی شخصی به جمعیت تشکیل دهنده دولت.
 تابعیت رابطه‌ای است بین فرد و دولت که شخص تبعه را در قبال تبعیت، به حمایت دولت متبوع خود ذیحق می‌کند. چنین رابطه‌ای، شخص تبعه را مملطن می‌کند که در رفتار و دادوستدش با کشورهای خارجی و اتباع بیگانه، عندالافتضا از حمایت سیاسی دولت متبوع خود که به وسیله حقوق بین‌الملل شناخته شده، متمتع خواهد شد. تابعیت عبارت است از یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی که فردی را به دولتی معین مرتبط می‌کند. تابعیت عموماً مبتنی بر ۲ سیستم است: سیستم خون و خاک. در ایران تابعیت به‌طور عمده بر سیستم خون منکی است، البته در مواردی از سیستم خاک برای کسب تابعیت استفاده شده‌است. با توجه به قانون مدنی ایران، کسی که از پدر ایرانی در ایران یا بیرون از کشور متولد شود، ایرانی است، اگر چه مادرش غیر ایرانی باشد. اشتغال در برخی از کارها و دستیابی به شماره از مقامات دولتی نیازمند داشتن تابعیت ایرانی است. در آمریکا و کانادا تابعیت به‌طور عمده بر سیستم خاک مبتنی است، البته سیستم خون هم جایگاه خود را در قوانین این کشور دارد.
تابعیت یا شهروندی؟
 ۱۵ آوریل روزی است که در سال ۲۱۴ میلادی سنای روم «تابعیت» را در جریان تصویب قانون تعمیم تابعیت رومی به گروه دیگری از ساکنان قلمرو این کشور تعریف کرد. با این که از آن زمان، این تعریف بارها دوبرابرنویسی شده و بسیاری از اندیشمندان عبارات تازه بر آن اضافه کرده‌اند، با این همه پایه‌ای را که سنای روم ریخته همچنان باقی مانده و رعایت می‌شود.
 طبق تعریف «تابعیت یا شهروندی»، شهروند که عضو متساوی‌الحقوق و کامل یک جامعه ملی است دارای یک رشته حقوق و تکالیف است. شهروند می‌تواند از حقوق خود صرف‌نظر کند، ولی انجام تکالیف اجباری و نقض آن موجب مجازات است. به شهروندی که از بعضی حقوق خود داوطلبانه بگذرد، مثلاً حق رأی‌دادن در انتخابات و حق تعظیم خواهی، تبعه غیرفعال گویند. اما اگر عواملی در صدد برآیند که با تهدید و ارعاب و امثال آن، یک تبعه و گروهی از اتباع را از استفاده از حق بازدارند، با دولت طرف خواهند بود که مکلف است وسایل لازم را برای برخورداری اتباع از حقوقشان فراهم آورد و با کسانی که شهروندان را اجباراً از استفاده از حق باز می‌دارند، برخورد کند. مهم‌ترین تکلیف دولت، محافظت از جان و مال و حیثیت اتباع است و حفظ اموال اتباع، منحصراً به خانه و اثاث آنان نیست؛ همه منافع مالی و حقوق مربوط ایشان را شامل می‌شود، از جمله معانعت از گرفتاروشی، گران کردن مصنوعی کالا و خدمات، احتکار، توسل به تقلب برای خالی کردن جیب اتباع، تصاحب اموال و منابع عمومی که متعلق به همه اتباع است و نظایر آن. حفظ جان اتباع نیز تنها جلوه‌گیری از قتل جنایی آنان نیست؛ نبود بیمارستان و دارو، وسیله نقلیه معیوب، ساختمان نامقاوم در برابر زلزله، نبود سیل‌بند و از این قبیل را هم شامل می‌شود.

کسی که از پدر ایرانی در ایران یا بیرون از کشور متولد شود، ایرانی است اگر چه مادرش غیر ایرانی باشد. اشتغال در برخی از کارها و دستیابی به شماره از مقامات دولتی نیازمند داشتن تابعیت ایرانی است

مشئول اجرای اصول قانون اساسی است و قانون اساسی یک کشور را نمی‌توان معطل گذارد. اصل ۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی، تابعیت متصاف یک ایرانی را نفی کرده است. جامعه‌شناسان، مهاجرت‌های داخلی ایران در ۳ دهه اخیر را هم برای این کشور زیان آور و باعث تخلیه روستاها و شهرهای کوچک و در نتیجه کاهش تولیدات ضروری و مصرف گرا، لوکس گرا و مدرک تحصیلی خواه شدن جامعه دانسته و مدعی شده‌اند که هجوم روستاییان به شهرهای بزرگتر سبب تضعیف برخی نشانه‌ها و شاخص‌های تمدن از جمله رعایت اصول و مقررات می‌شود، مثلاً رعایت نوبت و روش رانندگی.
چه کسانی تابعیت ایرانی را دارند؟
 تابعیت، تعلق حقوقی و معنوی شخص به یک دولت است. شخصی که تبعه یک کشور باشد، از حقوق و تکالیفی برخوردار می‌شود. در تابعیت، رابطه فرد با دولت، رابطه‌ای حقوقی،

چگونه رفتارهای اجتماعی را تغییر دهیم

بشود. این طور انگیزه‌ها می‌توانند در خلال یک گروه‌های عمومی (جلسه محله، برگزاری یک فستیوال و ...) کنش عمومی را دوچندان کنند.
باز خورد و تقویت
 مجموعه‌ای از صداها، شرایط و بنیادها، روزانه ما را به رفتارهای ناخوشایند، ناسالم و ضد اجتماعی مجبور می‌کنند؛ البته این نیروها را نمی‌توان فقط با یک کمپین از سر راه برداشت یا اثری کرد. اما یک کمپین اجتماعی موفق باید بداند چگونه به‌صورت مستمر پیام‌های مختلفی به کار گیرد. آنها را تقویت کند و با اضافه کردن داستان فرجام‌های موفقیت‌آمیز گوناگون از نتایج انجام کنشی خاص، مردم را به شرکت در آنها دعوت و مراحل بعدی را برای‌شان گوشزد کند.
 بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد مانند فعو بین الملل، این روش را به‌خوبی آموخته و منابع قابل توجهی را به این اختصاص داده‌اند تا حامیان مالی‌شان را پیوسته با داستان‌هایی از موفقیت‌های‌شان، تغذیه و به‌روزرسانی کرده و آنها را به حمایت بیشتر تشویق کنند. ما نیز باید درس‌های مشابه بیاموزیم و منابع لازم برای بازتاب موفقیت‌های مردم تخصیص دهیم.

گسترش دانش و فناوری و این همه خدماتی که با آن می‌توان با جهان خارج در ارتباط بود، باز هم آرامش و سکون چیزهایی که به آنها عادت کرده‌ایم، لذت‌بخش است.
 در اختیار دارند دست‌وپنجه نرم می‌کنند. برای تشویق آنها برای حضور در هر پروژه‌ای به خدمات، زیربنایها و شبکه‌های حمایتی نیاز است که برای غلبه بر موانعی که بر سر راه وجود دارند، کمک کند.
 اگر مانع تغییر رفتار شخصی ناشی از موانع جهان خارج باشد که در بیشتر موارد هست، در آن صورت هر ارتباطی بی‌نتیجه خواهد بود. اینجا است که کار ویژه یک راهبر آگاه‌سازی به مسائل دیگری چون ارایه خدمات تازه و ایجاد زیربنایهای جدید هم گسترش می‌یابد. دلیل اصلی موفقیت طرح باز یافت زباله در خیلی از کشورهای جهان پرداختن به همین اسکان بوده، نتیجه‌اش هم این شد که ما در حال حاضر، سرویس‌های سریع، ساده و ارزانی در اختیار داریم که کار جمع‌آوری و بازیابی زباله را آسان کرده‌اند.
انگیزه‌بخشی
یا شروع با یک استارت‌انفجاری
 بیشتر ما به روزمرگی عادت داریم و به‌رغم

کمپینی که خیال‌های مخاطبان‌تان را به بند بکشد، باید نخست تخیل خودتان را راها کنید. مکانی ناشناخته، همیشه نقشه راهی روشن، ساده و قابل اجرا از ما خواهند خواست.
 باید هزینه‌های شخصی هر گونه انفعال و بی‌تفاوتی و در مقابل منافع واکنش فعالانه را شناسایی کرده و با واژه‌ها و عباراتی سراسرت که مردم بتوانند به آنها ارجاع دهند، به اطلاع مخاطب برسانید. یکی از اهداف مهم یک کمپین آگاهی‌بخشی، مهار قضاوت عمومی جامعه است.
اشتیاق
تصور کردن خود در آینده‌ای متفاوت
 برای هر گونه تغییری نیاز به تخیل داریم. مردم نیاز دارند که آینده‌ای متفاوت و دوست‌داشتنی برای خود تصور کنند. این موضوع با قابلیت محاسبه عقلانی سود و زیان تفاوت دارد.
 اشتیاقی یک احساس است؛ نوعی از دانش نیست. شرکت‌های تبلیغاتی از این مسأله به‌خوبی آگاه هستند و از امیال انسانی مانند لذت، ترس، حسادت یا طمع برای ایجاد اشتیاق و تحریک استفاده می‌کنند. این اشتیاق می‌تواند با تصور آینده‌ای که رضایت‌بخش‌تر، سالم‌تر، جذاب‌تر و امن‌تر است نیز ساخته شود. برای طراحی

دمیم که چاره‌ای عملی برای حل مشکل هم وجود دارد. بیشتر مردم عملگرا هستند و پیش از سفر به مکانی ناشناخته، همیشه نقشه راهی روشن، ساده و قابل اجرا از ما خواهند خواست.
 باید هزینه‌های شخصی هر گونه انفعال و بی‌تفاوتی و در مقابل منافع واکنش فعالانه را شناسایی کرده و با واژه‌ها و عباراتی سراسرت که مردم بتوانند به آنها ارجاع دهند، به اطلاع مخاطب برسانید. یکی از اهداف مهم یک کمپین آگاهی‌بخشی، مهار قضاوت عمومی جامعه است.
اشتیاق
تصور کردن خود در آینده‌ای متفاوت
 برای هر گونه تغییری نیاز به تخیل داریم. مردم نیاز دارند که آینده‌ای متفاوت و دوست‌داشتنی برای خود تصور کنند. این موضوع با قابلیت محاسبه عقلانی سود و زیان تفاوت دارد.
 اشتیاقی یک احساس است؛ نوعی از دانش نیست. شرکت‌های تبلیغاتی از این مسأله به‌خوبی آگاه هستند و از امیال انسانی مانند لذت، ترس، حسادت یا طمع برای ایجاد اشتیاق و تحریک استفاده می‌کنند. این اشتیاق می‌تواند با تصور آینده‌ای که رضایت‌بخش‌تر، سالم‌تر، جذاب‌تر و امن‌تر است نیز ساخته شود. برای طراحی

لس رایبسون نویسنده کتاب تغییر شناسی و مشاور کمپین‌های مختلف اجتماعی و سیاسی در استرالیا است. لس رایبسون روی تغییرهای رفتاری لازم برای موفقیت کمپین‌ها فعالیت و تحقیق می‌کند. او می‌گوید مشکلاتی که بسیاری از کمپین‌های اجتماعی با آن مواجه هستند، وادارم کرد تا به فکر نگرش و مدل تازه‌ای برای تغییر رفتار اجتماعی باشم. من متوجه شدم که هفت گام یا پیش‌نیاز برای رانداختن یک کمپین موفق لازم است؛ این هفت گام عبارتند از: دانش و آگاهی، اشتیاق یادگیری، مهارت‌ها، نگرش مثبت، تسهیل، ایجاد انگیزه و پاداش به عملکرد مثبت. در مدل پیشنهادهی من «اهبرد آگاه‌سازی» بیش از اینکه به دنبال آگاه‌سازی اجتماعی باشد، درصدد برداشتن موانع موجود است. همیشه هم پادتان باشد که بر گزار کنندگان کمپین‌های اجتماعی بیش از اینکه نقش‌های پرطرفراقی نظیر معلم جامعه یا بازارباب اجتماعی یا حامل حقیقت غایی را ایفا کنند، در نقش متواضع بازکننده دری تازه به یک موضوع اجتماعی عمل می‌کنند.
دانش و آگاهی
 نخستین گام این است که بتوانیم به مخاطب بفهمانیم که مشکلی وجود دارد و بعد به آنها اطلاع